



عنوان مقاله : نقش پلیس در پرونده های کیفری

نام و نام خانوادگی نویسنده:

حانیه پنچی

چکیده:

پلیس، در قانون آیین دادرسی کیفری در مواجهه با جرائم مشهود و غیر مشهود به صورت مجزا وظایف خاصی داشته به طوری که قانون شرح وظایف مأمورین را به صورت مفصل بیان کرده، در بوتۀ عمل برخی از مأمورین در برخورد با این گونه جرائم بعضاً با مشکلاتی مواجه می شوند که باعث بروز و ایجاد مسئولیت مدنی و کیفری برای آنان می گردد، از این رو محقق در این پژوهش به بررسی و ارزیابی عملکرد پلیس در مواجهه با جرائم مشهود پرداخته است. به طور کلی هدف از انجام این تحقیق بررسی میزان تشخیص، مداخلات، اقدامات اجرایی قضایی و نهایتاً تصمیمات نهایی مأمورین در برخورد و مواجهه با جرائم مشهود می باشد.

روش تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی و بررسی اسنادی از طریق مراجعه به پرونده های موجود در کشور فرمول کوکران و روش نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید؛ این کار به صورت پیمایشی و بررسی اسنادی پرونده های موجود صورت گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی است نقش پلیس در برخورد با جرائم مشهود نسبتاً مطلوب بوده ولی نیاز به ارتقا و کیفیت خیلی خوب داشته است لذا می توان با توجه به تغییرات فرآیند دادرسی در حقوق کیفری پلیس با هدفمند کردن نقش خود، کارآمد و توانمند باشد، نقش پلیس در هر کدام جرایم مشهود و جرایم غیر مشهود متفاوت و متغیر می باشد و اختیارات و وظایف پلیس در هر کدام از این دسته بندی ها با گستردگی و محدودیت هایی مواجه باشد. در این تحقیق بر آن شده ایم که پس از شناخت پلیس، جرایم مشهود و غیر مشهود را از یکدیگر تفکیک نماییم. به علت حساسیت های جرایم مشهود، مشخص نیست که دامنه گسترش و محدودیت پلیس در این گونه پرونده ها تا به چه اندازه پیش بینی شده است. هم چنین به خوبی معلوم نگردیده که در جرایم غیر مشهود، پلیس تا چه اندازه اختیارات و وظایف در پرونده های کیفری دارد. بر آن شدیم که در این تحقیق در پی رفع این چنین ابهاماتی در مورد نقش پلیس در پرونده های کیفری باشیم و سوالی که به دنبال پاسخ دادن به آن هستیم این است که پلیس در پرونده های کیفری چه نقشی دارد؟

واژگان کلیدی: پلیس، ضابطین، جرم، جرایم مشهود، غیر مشهود. پرونده های کیفری



مقدمه

یکی از نهادهایی که با شکل گرفتن اجتماعات و تولد جوامع شهری، ضرورت وجودی پیدا می‌کند، نهاد پلیس است. می‌دانیم که زندگی در جوامع بشری مستلزم برقراری ضوابط و مقرراتی است که ضامن بقای سلامت و استقرار امنیت باشد، به‌طوری که نحوه رابطه افراد را در زمینه‌های گوناگون تحت نظم خاصی درآورد. انتظام بخشیدن به امور جاری زندگی اجتماعی، بدون شک مستلزم وجود مأمورانی است که ضوابط و مقررات قانونی را اعمال و اجرا نمایند.

ضابطان دادگستری یکی از بازوان مهم دستگاه قضایی در اجرای عدالت به‌شمار می‌آیند و دستگاه قضایی در انجام رسالت‌های محوله‌اش موفق نخواهد شد مگر اینکه از ضابطان مجرب و مأمورین کارآزموده که به وظایف و جایگاه قانونی‌شان آگاهی و اشراف کامل داشته باشد بهره‌گیرد.

حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه عوامل دستگاه قضایی از جمله ضابطان دادگستری است نه تنها محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و اصول و موازین قضایی باشد بلکه کشف و تعقیب جرایم و دستگیری مجرمین تحقیق از آنان باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت غیرقانونی و یا یازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

ضابطان دادگستری، به دلیل وظایف حساسی که برعهده آنان گذاشته شده است، از اهمیت خاصی برخوردارند. به همین دلیل، قانون‌گذار طی مباحث اولیه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، و همچنین قانون جدید آیین دادرسی کیفری به موضوع ضابطین و وظایف آنان پرداخته است.

آنچه مسلم است، اولین برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكابی، توسط ضابطین صورت می‌پذیرد و به عقیده متخصصان علوم جرم‌یابی، چنانچه این برخورد اولیه، توأم با دقت، هوشیاری، نکته‌سنجی و ارتباط منظم وقایع نباشد، سنگ‌بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاده خواهد شد و قاضی نیز که مدارک مکتوب در پرونده‌ها بیشترین ادله او برای تصمیم‌گیری است، به سبب سستی دلایل و مدارک جمع‌آوری شده، از صدور رأی متناسب عاجز مانده و در این رهگذر، اهداف مجازات که عبارتست از تنبیه مقصر، ارعاب سایرین، تشقی خاطر مجنی‌علیه و سایر امور، حاصل نمی‌شود، و نتیجه آن، تجرّی مجرمین و یأس و دلسردی مردم نسبت به دستگاه‌های انتظامی و قضایی خواهد بود که اثر مستقیمی بر افکار مردم نسبت به حکومت خواهد داشت. علاوه بر آن ضابطانی که بدنه اصلی پرونده‌های کیفری را طراحی و تدارک می‌نمایند و به‌طور مستقیم با جان و مال و اعراض و حیثیت شهروندان سروکار دارند و کوچک‌ترین مسامحه‌ای از طرف آنان ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری به حقوق اشخاص وارد نمایند بی‌گمان تحقیقات مقدماتی به‌عنوان مرحله‌ای که در آن دلایل له و علیه متهم جمع‌آوری می‌شود و در این مسیر از ادامه تعقیب مصون مانده یا به مرحله قضاوت و احتمالاً محکومیت هدایت می‌شود مرحله‌ای مهم از مراحل دادرسی کیفری است مرحله‌ای که در قوانین اکثر کشورها خصوصاً در قانون آیین دادرسی کیفری به شکل کیفیت و چگونگی انجام آن، حقوق و تکالیف طرفین و ضابطان توجه ویژه‌ای معمول شده است. با این همه در چند دهه اخیر، در برخی از کشورها اقداماتی در جهت جلوگیری از طولانی شدن کل روند دادرسی که تحقیقات مقدماتی از آن است به عمل آمده، لذا با راهنمایی‌های اساتید ارجمند، در این رساله سعی شده تا نقش ضابطین قضایی در تحقیقات مقدماتی در پرتو قانون جدید آیین دادرسی کیفری مورد بحث و بررسی قرار گیرد.



1. مفاهیم

1.1: مفهوم ضابطین دادگستری

1.1.1: تعریف ضابط و پلیس در فرهنگ لغات

در فرهنگ لغت دهخدا و در باب تعریف ضابط چنین آمده است: فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طرف سلطان بس باشد (دهخدا، 1373). شحنة – گرد عالم گشتن چه سود پادشاه ضابط باید (ابوالفضل بیهقی). پادشاه ضابط باید چون ملکی و بقعتی بگیرد و آن را ضبط نتواند کرد و زود دست بمملکت دیگر یازد ما را خداوندی گماشت عادل و مهربان و ضابط مبر؛ انه لمبر بذلک؛ ای ضابط له. رجل ضابط؛ مرد هشیار و توانا و سخت. (منتهی الارب) شتر قوی سخت. (منتهی الارب). شیر بیشه. (منتهی الارب) در اصطلاح درایه. متقن مثبت. ج؛ ضابطون و ضباط و ضوابط.

ضابط: فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آنکه شهری را از طرف سلطان اداره کند. شحنة. حاکم. والی. مامور وصول مالیات. در اصطلاح درایه؛ متقن مثبت؛ ضابطون. ضباط. ضوابط. پلیس: پاسبان اداره شهربانی (نظمیه) عسس. محتسب. مجموعه نیروهای انتظامی حافظ نظم و امنیت جامعه. مجازاً؛ محل استقرار این نیروها. پلیس راه: بخشی از نیروهای انتظامی که انتظامات رفت و آمد وسائط نقلیه در راه ها و در شهرها را بر عهده دارد. هر یک از ماموران آن سازمان.

پلیس مخفی: مامور پلیسی که لباس خاصی ندارد تا شناخته نشود و پلاکی دارد که هنگام ضرورت ارائه می‌کند. و اما در فرهنگ لغت معین ضابط این گونه تعریف گردیده است: 1- نگاهدارنده؛ حفظ‌کننده 2- آنکه شهری را از جانب سلطان اداره کند؛ شحنة؛ 3- حاکم؛ والی 4- (درایه) متقن؛ مثبت 5- نیرومند؛ قوی 6- محصل مالیات 7- ممیز و مفتش حساب 8- مباشر؛ ج. ضابطون؛ ضابطین- ضباط؛ ضوابط (معین، 1386).

ضابط در فرهنگ لغت عمید نیز این گونه تعریف گردیده: نگاهدارنده؛ حفظ‌کننده قوی؛ نیرومند؛ حاکم؛ قائد؛ مرد باهوش؛ ضباط؛ جمعیلیس؛ نظم؛ انتظام؛ اداره شهربانی؛ پاسبان شهربانی پلیس مخفی: کارآگاه (عمید، 1377).

واژه پلیس دارای معانی گوناگونی است که در اعصار مختلف نسبت به حکومت‌هایی که دستخوش تغییر شده‌اند، در تعریف نیز متفاوت بیان شده است. کلمه پلیس دارای ریشه یونانی است و مشتق از دو ریشه پلی تیکا و پلی تیا به معنی مدیریت و حکومت می‌باشد. از نظر افلاطون و ارسطو، نیروهای کمکی شهر، مسیول مراقبت از امنیت شهر بوده‌اند. این به آن معنی است که آنان اختیار تنظیم امور شهر بر اساس منافع نظم عمومی، امنیت، اخلاقیات، تامین غذا و رفاه را داشته‌اند. به بیان دیگر، نقش اصلی پلیس در یونان باستان مراقبت از اجرای قوانین و اختیار حفظ نظم در خیابان‌ها به منظور مراقبت از معاملات عادلانه در بازارها و جلوگیری از رفتارهای مخاطره‌آمیز بوده است (سیفی قمی قفرشی، 1362).

با توجه به گستردگی مفهوم پلیس از گذشته تا کنون، این واژه دچار دگرگونی‌های بسیاری شده است. به عنوان مثال در انگلستان از قرن نوزدهم این واژه در دو مفهوم استعمال شده است. از یک پلیس عمومی یا پلیس دولتی که مشتریان آن همه جامعه را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر پلیس خصوصی که انتفاعی است و به کارآگاهان خصوصی اشاره دارد که در مقابل دریافت پول، خدمات لازم را در حیطه وظایفشان به انجام می‌رسانند.

کلمه پلیس سه مفهوم متفاوت به کار برده شده است. مفهوم اول که مفهومی وسیع و در بر گیرنده کلیه رشته‌های حقوق است، به این معنی که مجموعه مقرراتی را در بر می‌گیرد که مقامات عمومی آن را وضع و بر افراد جامعه تحمیل کرده‌اند.



در مفهوم دوم، شامل وضع و اجرای مقررات مربوط به تامین آسایش، امنیت و بهداشت عمومی می باشد و در نهایت پلیس را در مفهوم سازمانی که کارکنان آن وظیفه اجرای مقررات مربوط به امنیت و بهداشت عمومی را دارند، به کار برده است

در ایران واژه پلیس به معنی شهربانی، نظمیه، پاسبان، محتسب و اداره پلیس یعنی سر کلانتری و اداره پلیس مخفی به معنی اداره آگاهی مامورین آن را کارآگاه می گویند (معین، 1362). از نظر مرحوم دهخدا که در لغت نامه بیان می دارد: لفظ فرانسوی که در فارسی به معنای پاسبان اداره شهربانی و گاهی به معنای اداره شهربانی استعمال می شود به پلیس مخفی نیز کارآگاه می گویند، یعنی محتسبی که لباس خاص ندارد (دهخدا، 1373). تعریف اولی که از دکتر معین گفته شده است، به نظر تعریف پسندیده تری از واژه پلیس می باشد با مقتضیات این زمانه هماهنگ تر است.

2.1.1: تعریف ضابط و پلیس در اصطلاح

آخوندی در تعریف ضابط آورده است: ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی مامورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم؛ حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قانون اقدام می کنند (آخوندی، 1393).

آشوری معتقدند؛ که ضابطین دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم؛ بازجویی مقدماتی از متهم و نیز جلوگیری از فرار یا پنهان شدن او و سرانجام حفظ آثار و دلایل جرم طبق ضوابط قانونی؛ اقدام می کنند.

دکتر خالقی معتقدند: ضابطین دادگستری بازوی اجرایی دادسراها و دادگاه ها در انجام وظایفشان هستند که قانون تکالیف زیادی بر عهده ضابطین دادگستری قرار داده که از نخستین لحظه های پس از وقوع جرم تا واپسین دقیق اجرای مجازات را در برمی گیرد و شامل کشف جرم؛ گزارش وقوع آن به دادسرا؛ جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم؛ ممانعت از فرار متهم انجام دستورات مقامات قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می شود

و اما جوانمرد معتقدند: ضابطین در لغت به معنای مباشر؛ حفظ کننده و نگاهدارنده هر چیزی به حد خودش می باشد در اصطلاح حقوقی؛ ضابطین؛ بازوی اجرایی دادسرا و دادگاه ها در راستای انجام وظایفشان می باشند. قانونگذار در قوانین مختلف حسب مورد از زمان کشف جرم تا مرحله اجرای مجازات تکالیفی بر عهده ضابطین قرار داده است.

تعریف های متعددی از پلیس شده است و ملاحظه می کنیم، تعریف و شناخت پلیس آسان نیست، به این دلیل که تابعی از پیچیدگی دولت و جامعه و مناسبات خاص میان دولت و جامعه است. از یک سو، شخصیت دولتی پلیس و حق استفاده مشروعی که از قوه قهریه دارد، بهره ای خشن، سرکوبگر و خشک و مقرراتی از پلیس را نشان می دهد و از سوی دیگر، تنوع و گستردگی جامعه و ساز و کارهای خاص اتخاذ شده توسط پلیس جهت تعامل با آن، چهره ای مدنی و مردمی را از پلیس به نمایش می گذارد. بر همین اساس شاید نتوان هیچ واژه دیگری را جایگزین لفظ پلیس کرد که بتواند معنای فراگیر آن را منعکس نماید.

یکی از مولفه های تعریف پلیس، اختیار اعمال قانونی اجبار و محروم کردن شهروندان از آزادیشان می باشد. چنین اختیاری ممکن است پلیس را وسوسه نماید تا از این قدرت در جهت منافع خود و یا مراجع حمایت گرانش استفاده کند. در نتیجه، اجرای قانون عملی ظریف و تعادل ساز است. دولت گرایان پنج ویژگی را برای سازمان های پلیس و ماموران آن ذکر کرده اند که بدین گونه است:

1. پلیس نماد تبلور نظام سیاسی هر کشور است.
2. حضور پلیس نمایانگر اقتدار فراگیر حکومت در هر مکان و زمانی است.



3. پلیس کارکردهای چند جانبه دارد و حتی خلاءهای قانونی را با قدرت ابتکار خود پوشش امنیتی می‌دهد.

4. پلیس در انجام وظایف خود از اختیار و استقلال برخوردار است.

5. پلیس به طور انحصاری حق استفاده مشروع از قدرت را در اختیار دارد (شاگری، 1381).

حقوق دانان و نظریه پردازان علم حقوق، تعاریف و مفاهیم مختلفی برای واژه پلیس در نظر گرفته اند. در همگی این تعاریف ها بر این موضوع تاکید شده است که پلیس یک ارگان دولتی است که مأموریتش حفظ نظم و امنیت عمومی، آسایش و بهداشت عمومی است. در حقیقت اعمال حاکمیت دولت برای برقراری نظم و آرامش و امنیت عمومی از سوی سازمانی تحت عنوان پلیس صورت می‌گیرد. و از سوی دیگر به منظور جلوگیری از تخطی و برخورد با آن ها و معرفی خطا کاران به مقامات ذیصلاح واسطه می‌باشند. به تعبیری دیگر پلیس بین جامعه و سیستم قانونی کشور میانجی‌گری می‌کند.

3.1.1: تعریف ضابط در قوانین موضوعه ایران

بند اول: تعریف ضابط در قانون سال 1290

در مورد ضابطان قضایی می‌توان گفت: کسانی اند که علی‌رغم ابلاغ و پایه قضایی وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری را دارا بوده به عنوان مثال در قانون آ.د.ک مصوب 1290 دادستان و بازپرس جزو ضابطین دادگستری بوده اند که خود این برگرفته از مقررات قانون تحقیقات جنایی قدیم فرانسه صورت گرفته بود.

بند دوم: تعریف ضابط در قانون سال 1330

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1330 در ماده 19 خود می‌گوید: ضابطان عدلیه عبارتند از: مأمورین که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف و جنحه و جنایت) (و با اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید بعمل آید).

بند سوم: تعریف ضابط در قانون سال 1378

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1378 در ماده 15 خود می‌گوید: ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

1. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

2. روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.

3. مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

4. سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.

5. مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

تبصره: گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد.

بند چهارم: تعریف ضابط در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب 1393

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب 1393 در ماده 28 خود می‌گوید: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و



جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند.

4.1.1: وجه مشخصه های وظایف ضابطین دادگستری در قانون مصوب سال 78 و مقایسه آن قانون جدید

شاید مهمترین چالشی که دستگاه قضایی و ضابطین در ارتباط با قلمرو وظایف ضابطین با آن مواجه می شدند تعریف ضابطین دادگستری در ماده 15 ق.آ.د. کیفری مصوب سال 78 باشد که بدین لحاظ همیشه این تعریف کلی مشکلات عدیده ای را (بالاخص برای مقامات ارشد نیروی انتظامی) به همراه داشته است. چرا که هر یک از مقامات قضایی (حتی دادیاری در یکی از دورافتاده ترین شهرهای کشور) فرمانده نیروی انتظامی کشور را هم ضابط خود قلمداد می نمود و این باعث تنش های زیادی در اقصی نقاط کشور گردید و به همین علت مدت های مدیدی بر تعریف جامع و دقیق از ضابطین بحث های فراوانی بین دو دستگاه وجود داشته است و شاید بتوان گفت بر اثر همین چالش بوده که ماده 28 قانون جدید تعریف جدیدی از ضابطین را ارائه نموده و هر چند همین تعریف نیز جامع و کامل نمی باشد و بنظر می رسد در عمل مقامات نیروی انتظامی را با مشکلات جدیدی مواجه خواهد ساخت و به عنوان مثال به موارد زیر بایستی اشاره نمود:

الف. نیروی انتظامی مختار خواهد بود فقط کسانی را که خود می خواهد مورد آموزش قرار داده تا بعنوان ضابط، به اعمال ضابطیت بپردازد و بالطبع دستگاه قضایی این را نخواهد پسندید و افکار متفاوتی خواهد داشت.

ب. چنانچه فرماندهان ارشد خود را ضابط ندانند و مورد آموزش قرار نگیرند بالطبع ضابط دادگستری محسوب نخواهند شد و در این صورت نمی توانند در مواجهه با جرایم مشهود اقدامی انجام دهند و این عمل (بالاخص در مواقع حساس و بحرانی نظیر شورش ها و ناآرامی های خیابانی و...) آنها را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت.

ج. در تعریفی که در ماده 29 قانون جدید، از ضابطان عام بعمل آورده تا حدودی مشکلاتی را که کارکنان ستادی ناجا در مواجهه با تعریف ضابطین داشته اند مرتفع نموده لیکن همین امر مشکل جدیدی را هم بوجود خواهد آورد و آن مواقعی است که افراد ستادی ناجا در ایامی نظیر انتخابات، شورش ها و... به کمک دیگر کارکنان نیروی انتظامی وارد عمل می شوند و بالطبع در این مواقع اگر ضابط شناخته نشوند، چگونه خواهند توانست وظیفه حفاظت از صندوق های رای را بعهده بگیرند و یا در مواقع بحرانی و مواجهه با جرایم مشهود اقدام لازم را معمول دارند.

د. چالش دیگر از تبصره ماده 29 قانون جدید نشات می گیرد و با عنایت باینکه بسیاری از امور نیروی انتظامی توسط کارکنان وظیفه صورت می گیرد ضابط ندانستن آنها هم ناجا را با مشکلات عدیده ای (بدلیل کمبود نیروی لازم) مواجه خواهد ساخت.

هر چند محسناتی را هم خواهد داشت و آن هم مشکلاتی است که سربازان وظیفه در امور محوله داشته اند و در بسیاری از موارد، عدم کارآیی آنان از حضور آنان، پر رنگ تر بوده است.

ضمن اینکه مسئولیت و ابتکار عمل را به ضابطین محول کرده که تا حدود زیادی از مشکل ذکر شده جلوگیری خواهد نمود.

در مقایسه ماده 28 قانون آیین دادرسی کیفری جدید با ماده 15 قانون آیین دادرسی کیفری 1378 تقریباً همین ماده تکرار شده است. تنها اختلاف آنها حذف عبارت بازجویی مقدماتی از قانون جدید است.

لازم به ذکر است که که چنین وظیفه ای برای ضابطان در قانون آیین دادرسی 1290 نیز پیش بینی نشده بود. با این حال می توان گفت بازجویی مقدماتی از جمله وظایف ضابطان است زیرا با وجود عبارت تحقیقات مقدماتی در متن ماده 28 قانون جدید؛ قطعاً می توان بازجویی مقدماتی را هم یکی از مصادیق تحقیقات مقدماتی بشمار آورد. ضمناً از مابقی مواد قانون جدید (همچون ماده 42) که مقرر می دارد: بازجویی و تحقیقات از زنان و افرادی که سن آنها پانزده سال یا کمتر از آن است



در صورت امکان باید توسط ضابط آموزش دیده زن انجام شود، می‌توان فهمید همچنان بازجویی‌های مقدماتی از وظایف ضابطان است.

در قانون جدید برخلاف ق.ا.د.ک 1378؛ ضابطان خاص از ضابطان عام بصورت مشخص تفکیک شده است. این شکل از تقسیم‌بندی قبل از این در کتب حقوقدانان مختلف آورده شده بود. برخلاف ق.ا.د.ک سال 1378- در ماده 29 قانون؛ عنوان ضابط عام تنها شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی شده است و لازم بذکر است که در ق.ا.د.ک 1378 نیروی انتظامی به صورت کلی ضابط دادگستری معرفی شده است.

با این توضیح که در ق.ا.د.ک 1378 اولاً؛ درجه ملاک نبوده و ثانیاً آموزش دیده بودن از شرایطی که ضابط می‌بایست دارا باشد نبوده است، در حالی که ماده 30 قانون بصراحت ضابط بودن را منوط به فراگیری مهارت‌های خاص و گذراندن دوره آموزشی زیر نظر مقام قضایی و تحصیل کارت ضابط دادگستری می‌داند.

در تبصره یک ماده 45 قانون جدید آمده است که: در صورتی که برخی از جرایم احصا شده در این قانون بصورت مشهود واقع شود در صورت عدم حضور ضابطان، تمامی شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند که این از نکات جالب توجه قانون بحساب می‌آید و هر چند می‌توان تعارض را بین این تبصره و ماده 30 مشاهده کرد.

مورد دیگری که در قانون جدید آورده شده است و در قانون آیین دادرسی سال 1378 به آن اشاره‌ای نشده بود ذکر صریح ضابط نبودن کارکنان وظیفه است. این مورد در (تبصره ماده 29 قانون جدید) بدین صورت نگارش یافته است: کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده آنها با ضابطان است.

در مورد ضمانت اجرای این بخش نیز لازم است بیان شود که (وفق ماده 30 قانون جدید) اقدامات افرادی را که فاقد کارت ویژه ضابط دادگستری اند از نظر قانونی بدون اعتبار دانسته است.

همچنین در (تبصره یک ماده 32 قانون جدید) نیز آمده است که ارجاع امر از سوی مقام قضایی به ماموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه 4 است.

از دیگر نوآوری‌های قانون جدید نسبت به ق.ا.د.ک 1378 در جهت حفظ حقوق متهم؛ تشکیل پلیس خاص در مورد اطفال و نوجوانان است و بهمین علت در ماده 31 لایحه پلیس موظف است به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود.

انتقاداتی که در این زمینه وجود دارد یکی عدم معین کردن محدوده سنی مشخص است و دیگر اینکه منظور از اطفال و نوجوانان چه کسانی هستند؟ آیا منظور افراد کمتر از 15 سال برای پسران و 9 سال برای دختران است یا منظور افراد زیر 18 سال است؟!

نوآوری دیگر در قانون جدید بازدید سرزده دادستان از مراجع انتظامی می‌باشد: در وضعیت فعلی به دلیل آنکه دادستان عملاً قادر به نظارت مستمر و مستقیم بر ضابطین نمی‌باشد ممکن است رویه غلطی در کلانتری‌ها ایجاد شود و همین رویه موجب تضییع حقوق متهم شود. بطور مثال در جایی دادستان تنها دستور جلب متهم را صادر می‌کند ولی متأسفانه ماموران کلانتری به دلیل عدم آگاهی و عدم نظارت دادستان در راستای انجام دستور مذکور بصورت خودسرانه وارد منزل متهم شده و حتی منزل وی را تفتیش می‌کنند. در حالی که اگر دادستان‌ها وظایف قانونی خود را انجام می‌دادند چنین مواردی رخ نمی‌داد. مشکلات عملی فوق باعث شد که در قانون جدید علاوه بر ایجاد وظیفه نظارت بر روی اعمال ضابطین



از سوی دادستان در یک اقدام نوین حداقل زمانی که دادستان باید این وظیفه را انجام دهد یعنی 2 ماه رادر ماده 33 قانون جدید پیش بینی کند و دفتر مخصوصی برای قید دستورات تدارک دیده شود.

نکته جالب توجه دیگر در این ماده این است که دادستان ممکن است به صورت سرزده از کلانتری ها بازدید کند و پلیس نیز حق جلوگیری از این کار را ندارد. این نوع بازدید می تواند یک جنبه پیشگیرانه در جرائم ضابطان علیه متهمان داشته باشد.

این ماده چنین نگارش یافته است: دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می شود، قید و دستورات لازم را صادر می کند.

البته نکاتی در این خصوص قابل بحث است که می بایستی مورد توجه قرار گیرد.

الف. در قوانین قدیم نیز دادستان می توانست در هر زمان از واحدهای انتظامی مرتبط با ضابطان بازدید نماید و هرگونه مواردی که قابل بیان می دانست به ضابطین گوشزد می نمود و حتی می توانست، آموزش های لازم را به ضابطین ارائه نماید و تمامی پرونده های قضایی را بازدید و از تحت نظر گاه ها و بازداشتگاه های واحدهای انتظامی حوزه قضایی مربوطه بازدید و نظارت لازم را اعمال نماید. ضمن اینکه دیگر قضات نیز می توانستند در حدود دستورات قضایی خود در پرونده های قضایی از واحدهای انتظامی بازدید و بر نحوه انجام دستورات قضایی صادره و همچنین افراد بازداشت شده (پرونده های مرتبط با دستورات قضایی صادره از خود) را ملاقات نماید

ب. در قانون جدید تنها به این امر اکتفا شده که برای بازدید دادستان مدت تعیین نموده و اعلام داشته برای بازدید وی، دفتر مخصوص نیز تهیه شود. لیکن برای دیگر مقامات قضایی، وظیفه ای تعیین نشده و نحوه بازرسی آنان از پرونده های مرتبط - افراد بازداشتی و... مشخص نگردیده است.

ج. ضمانت اجرایی: با توجه به اینکه دادستان به اندازه کافی دارای مشغله کاری می باشد بنظر میرسد این وظیفه برای دادستان ضروری بنظر نرسد (حداقل برای مدت تعیین شده) ضمن اینکه چنانچه دادستان در این مدت وظیفه خود را انجام ندهد. چه ضمانت اجرایی برای این کار وجود دارد و با اینکه چه کسی از عمل وی مطلع شده یا خواهد شد و... در ماده 20 ق.ا.د.ک. 1378 قید شده که چنانچه ضابطین به هر علت نتوانستند به انجام دستورات مقام قضایی عمل کنند باید در پایان هر ماه گزارش عملکرد خود را با ذکر علت به مقام مربوطه اطلاع دهند و این در حالی است که در قانون جدید (ماده 34) ضابطان در این مورد باید اجرای دستورات را تا پایان مدتی که از طرف دادستان یا مقام قضایی دیگر اعلام شده به آنها ارسال کنند. به نظر می رسد با توجه به اینکه ضابطان برخلاف ق.ا.د.ک. 78 هیچ تکلیفی به ارائه گزارش در پایان هر ماه را ندارند شاید در عمل باعث شود حقوق متهم مورد خدشه قرار گیرد.

نوآوری دیگری که در قانون جدید بوجود آورده شده ملاک اعتبار و ارزش گزارش ضابطین دادگستری است (در ق.ا.د.ک. 78 و در تبصره ماده 15) گزارش ضابطین در صورتی معتبر بوده که موثق و مورد اعتماد قاضی می بود لیکن در قانون جدید (ماده 36) قید شده: گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و براساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود و بنظر می رسد تا حدودی از انتظاراتی را که ضابطین از این ماده انتظار داشته اند برآورده نموده است.

از دیگر نوآوری های قانون جدید در جهت حفظ حقوق متهم ماده 47 قانون جدید است که مقرر می دارد: هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی کند و در صورت نیاز با



حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی را به عمل آورد این در حالی است که چنین ماده ای در ق.ا.د.ک. 1378 وجود نداشته است.

نکته مثبتی که در ماده 47 وجود دارد پیش بینی حداکثر مدتی است که ضابطین وظیفه دارند به دادستان یا قاضی کشیک وقوع جرم را اطلاع دهند. این امر به صورت جدی و مشخص می تواند از خودسری ضابطین جلوگیری کند. شاید بتوان گفت مهمترین نوآوری قانون جدید آیین داری ماده 48 باشد. این ماده مقرر می دارد: با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. همانطور که ملاحظه می شود این برای اولین بار است که وکلا به محض تحت نظر قرار گرفتن موکل در کلانتری حق حضور و ملاقات با موکل را دارند که البته این ملاقات نباید بیش از یک ساعت باشد. البته این ماده تفاوتی را نیز بین متهمان قائل شده است و مقررات دیگری را برای چند جرم خاص پیش بینی کرده که با این حال بازهم نوآوری دیگری است که نسبت به ق.ا.د.ک. 1378 وجود دارد.

این موضوع در تبصره ماده 48 قانون جدید بدین مضمون نگارش یافته است: اگر شخص به علت ارتکاب یکی از جرایم سازمان یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور سرقت مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موجب سلب حیات، جرائم موجب حبس ابد یا جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات کردن با وکیل را ندارد.

از جمله سؤالاتی که در مورد این ماده مطرح است این است که آیا وکیل بعد از حضور در کلانتری حق مطالعه پرونده را هم دارا است یا خیر؟ در پاسخ به چنین پرسشی باید گفت که برای حمایت از حقوق افراد نباید آنقدر افراط کرد که حقوق جامعه بکلی ضایع شود زیرا این مطالعه پرونده باعث لورفتن اسم شرکا و معاونین جرم و در نتیجه عدم دستگیری آنها می شود، لذا سری و محرمانه بودن کشف حقیقت ایجاب می کند که وکیل حق مطالعه پرونده را نداشته باشد. سوال دیگر این است که اگر متهم در کلانتری تحت نظر قرار گرفت و تقاضای حضور وکیلش را کرد آیا ضابط مکلف است تا رسیدن وکیل از تحقیقات و بازجویی خودداری کند؟ به نظر می رسد مطلع نمودن متهم از حق درخواست وکیل الزامیست، و اگر متهم تقاضای دیدن وکیلش را داشت اطلاع به وکیل هم الزامیست ولی ضابط الزامی ندارد که تا رسیدن وکیل صبر کند.

نوآوری دیگر که در ق.ا.د.ک. 1378 به آن اشاره ای نشده بود ماده 49 و 50 قانون جدید می باشد، البته در بند 5 ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به صورت جزئی به این موضوع پرداخته، جایی که آورده *... و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند. متن ماده فوق الذکر بدین صورت نگارش یافته است: به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه... نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می نماید، و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق در باره تحت نظر قرار گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است. و ماده 50 مقرر می دارد: شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و



ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنابر ضرورت تحقیقات تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در اینصورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

البته در مورد ماده 50 قانون جدید باید گفت که حق استفاده از تلفن یا وسایل دیگر جهت اطلاع به افراد خانواده فرد تحت نظر بصورت محدود پذیرفته شده، به این کیفیت که در انتهای ماده آمده: مگر آنکه ضابط بنابر ضرورت تحقیقات تشخیص دهد، شخص تحت نظر نباید از این حق استفاده کند.

2- اقسام پلیس

سازمان پلیس با توجه به وظایفی که به موجب قوانین و مقررات به وی سپرده شده است واجد اهمیت ویژه می باشد. تقسیم بندی های گوناگونی از سازمان پلیس ارایه شده لیکن شایع ترین تقسیم بندی موجود، تقسیم آن به پلیس اداری و پلیس قضایی است. مبنای این تقسیم بندی ماهیت اقدامات پلیس در جامعه است.

الف: پلیس اداری

پلیس اداری یکی از وظایف اصلی و مهم دولت را بر عهده دارد که این وظیفه مبتنی بر مکتب اقتصاد آزاد می باشد. بدین معنا که در فعالیت های خصوصی، قادر به تامین نیازها و منافع عمومی می باشد و دولت نباید در امور اجتماع مداخله کند مگر در مواردی که فعالیت های مزبور از مسیر صحیح خود خارج شوند، در این صورت است که دولت با وضع نظاماتی آن را کنترل خواهد کرد. اصل 44 قانون اساسی که اقتصاد کشورمان را مبتنی بر سه پایه دولتی، تعاونی و خصوصی می کند، در راستای تحقق هدف فوق می باشد. همان گونه که در تعریف پلیس ذکر نمودیم، پلیس یک سازمان وابسته به دولت به شمار می رود. گاهی دولت به منظور حفظ نظم و امنیت و فعالیت افراد در جامعه دخالت و کنترلی به عمل می آورد و طریقه دخالت و نظارت وی از طریق وضع آیین نامه ها و مقررات و اجرای آن ها می باشد. در این صورت کلیه مستخدمین دولتی با توجه به شرح وظایفی که بر اساس مقررات استخدامی، اداری پیش بینی شده است، چون مجریان تصمیمات متخذه می باشند و به نوعی کار پلیس را انجام می دهند. با توجه به رویکرد مشارکتی که پلیس با مردم دارد، خدمات خود را برای تامین آسایش و رفاه بیشتر مردم توسعه داده است (شعاریان، جباری، 1389).

پلیس اداری در دو مفهوم به کار برده می شود. یکی مفهوم کلی تر آن است، به این معنی که دولت، هر نوع نظارت و مداخله که لازم است از طریق وضع آیین نامه ها و مقررات برای حفظ نظم عمومی و فعالیت افراد در جامعه به عمل می آورد. مفهوم جزئی تر پلیس اداری به معنای بخشی از سازمان پلیس هر کشور است که انجام وظایف مربوط به برقراری و حفظ نظم و جلوگیری از وقوع جرم و بی نظمی در جامعه را بر عهده دارد.

از پلیس اداری به عنوان پلیس انتظامی یا پلیس پیشگیری یا پلیس احتیاطی هم نام برده شده است. تمامی مساعی پلیس اداری صرف پیشگیری از وقوع جرم می شود و در واقع با شروع جرم، وظایف پلیس اداری خاتمه یافته تلقی شده و پلیس قضایی وارد صحنه می شود. اگر چه یادآوری این نکته لازم است که با توجه به وظیفه و شان پلیس در برقراری نظم و امنیت و آرامش عمومی، توجه به حقوق و آزادی های فردی و نظم اجتماعی سرلوحه اقدامات و تدبیرهای پلیس می باشد. از جمله وظایف پلیس اداری صدور گواهینامه، گذر نامه، نظارت بر اماکن عمومی و سایر اقدامات دیگر که در کاهش و پیش گیری از وقوع آن ها موثر است.



ب: پلیس قضایی

پلیس قضایی همان گونه که از لفظ آن می توان دریافت، پلیسی است متخصص و آموزش دیده که تحت اختیار قوه قضاییه به منظور پیشبرد اهداف این قوه می باشد.

دستور مقامات قضایی، ابلاغ اوراق قضایی، همکاری با مرجع قضایی جهت اجرای احکام مدنی و کیفری و... فعالیت می کنند. در ماده واحده لایحه تشکیل واحد پلیس قضایی آمده است: به منظور تسهیل و تسریع در اجرای وظایف و اختیارات قوه قضاییه و در پلیس قضایی سازمانی مرکب از افسران دارای مدرک کارشناسی حقوق است که برای انجام اقدامات تمهیدی و پاره ای از امور تحقیقات مقدماتی پرونده های قضایی از قبیل جمع آوری ادله، بازجویی از شاکی، متهم و شهود، جلب افراد یا تفتیش اماکن به استای اجرای بند(الف) ماده 211 قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب 1389 پلیس قضایی به صورت واحدی زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می گردد.

وظایف و اختیارات این واحد به شرح زیر می باشد:

1. ابلاغ اوراق و آرای قضایی

2. اجرای احکام کیفری و مدنی و تعزیرات حکومتی

3. انجام وظایف قوه قضاییه در موارد ارجاعی

تبصره 1: مراجع قضایی و روسای شعب تعزیرات حکومتی می توانند اجرای احکام، بازرسی، ابلاغ آرا و اوراق و دستورات قضایی را به ماموران پلیس قضایی و دیگر ضابطان ارجاع نمایند.

تبصره 2: ماموران موضوع این قانون به عنوان ضابط خاص تابع قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین حاکم بر ضابطان قوه قضاییه می باشند.

همان گونه که می بینیم پلیس قضایی طبق لایحه، وظایفی چون ابلاغ اوراق و آرای قضایی، اجرای احکام کیفری و مدنی و انجام وظایف قوه قضاییه در موارد ارجاعی را بر عهده دارد. این وظایف بسیار مشابه وظایفی است که ضابطان دادگستری بر عهده دارند و هم چنین بسیاری از حقوق دانان، پلیس قضایی را همان ضابط دادگستری می دانند که به عنوان یک کادر مجرب و تخصص یافته زیر نظر قوه قضاییه انجام وظیفه می کند.

در واقع وظایف پلیس قضایی پس از وقوع جرم شروع می شود. گاهی عملیات پلیس قضایی و پلیس اداری با یکدیگر مرز مشترکی دارند. به عنوان مثال مامور پلیسی که عهده دار گشت پیشگیرانه در سطح شهر است چنانچه با ارتکاب جرمی مواجه شود، بلافاصله به عنوان پلیس قضایی وارد عمل شده و وظایف مربوط به حفظ صحنه جرم و دستگیری مرتکبین را بر عهده می گیرد. این دو گانگی وظایف از خصوصیات مهم کار پلیس محسوب می شود.

3: پیشینه پلیس قضایی

در این گفتار، پیشینه پلیس قضایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. ابتدا پیشینه پلیس قضایی را در ایران قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب مورد تحقیق و تفحص قرار می دهیم.

الف: پلیس قبل از انقلاب اسلامی

آغاز به وجود آمدن و تشکیل پلیس از زمان رسیدن بشر به مرحله شهر نشینی و پیدایش اهمیت حفظ نظم و مقررات بر می گردد. پلیس، نظمیه، شهربانی، ژاندارمری و در عصر کنونی نیروی انتظامی از گذشته دور در ایران بوده و هست و چون برقراری امنیت و آسایش مردم و پیشگیری از وقوع جرم و جنایت و به تبع آن کشف جرم و تعقیب مجرم و تحویل وی به



مقامات صلاحیت دار قانونی، از طریق یک نیروی سازمانی به عنوان پلیس امکان پذیر است. این کشور در بیش از دو هزار سال قبل و در دوران سلسله هخامنشیان اولین بنیانگذار سیستم حکومتی گسترده امپراتوری می باشد. از آن رو که هر حکومتی نیازمند به نظم و امنیت می باشد، در نتیجه کشور ما انواع سیستم های ایجاد نظم و امنیت را در طی تاریخ مورد آزمایش قرار داده است. اما سیستم نوین ایجاد نظم و امنیت داخلی یعنی، سازمان پلیس در ایران به حدود یک صد سال پیش مربوط می باشد. شاه قاجار ناصر الدین شاه در سفر های سه گانه به اروپا و مشاهده پلیس جدید و نوین در آن کشور ها و با استخدام یک مستشار بلژیکی به نام کنت دوبین، اولین سیستم پلیسی جدید را در ایران پایگذاری نمود. این پلیس در طی قرن گذشته و تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 از فراز و نشیب های متفاوت برخوردار بوده است (جعفریان، امیرخانی، 1386).

اولین آموزشگاه، آموزش خواندن و نوشتن و نحوه کار پلیس را پاسبان ها عهده داشتند که به آموزشگاه آژانی معروف بود. آموزشگاه دیگر، آموزشگاه آسپیرانی نامیده می شد که برای کارمندان و صاحب منصبان در سطح بالاتری تاسیس و تشکیل شده بود. در سال 22 هجری شمسی، قانون تشکیل آموزشگاه عالی شهربانی تصویب گردید و نخستین گروه افسران وارد آموزشگاه شدند. در سال 1338 هجری شمسی مجلس وقت قانون تشکیل دانشکده افسری شهربانی را تصویب نمود، و متعاقب آن دانشکده های ضمن خدمت شامل دوره های تکمیلی، عالی و نهایی برای افسران برقرار گردید. در سال 1299 هجری شمسی شهر تهران در پی کودتای رضا خان به تصرف نیروی قزاق در آمد و پس از جابجایی افسران مسن مورد اعتماد رضا شاه با افسران جوان سال قزاق خانه به شهربانی و بالعکس، در سال 1302 هجری شمسی رضا خان به عنوان رئیس الوزرا، سرهنگ محمد خان درگاهی را به عنوان اولین رئیس ایرانی نظمیه انتخاب و منصوب نمود. در این دوره کمیساریا به کلانتری تغییر نام داد (توسرکانی، 1386).

پس از اشغال ایران و به تبع آن تهران، توسط نیروی متفقین در شهریور 1320 هجری شمسی و تبعید رضا خان به جزیره موریس و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، در اسفند 1336، ساواک به دستور شخص شاه ایجاد شد و وظایف ساواک در مادتين اول و دوم قانون تاسیس ساواک مشخص گردیده بود. در ماده اول این قانون وظیفه جمع آوری اطلاعات برای امنیت کشور و در ماده دوم تعقیب عملیات جاسوسی از هر سنخ را بر عهده این سازمان گذاشت. در سال 1336 هجری شمسی وظیفه اداره اطلاعات پلیس قضایی ارتش نیز بر وظایف ساواک افزوده شد. آن چه در این جا حایز اهمیت است که در سلسله مراتب اداری ماموران ساواک مقام ماموران پلیس قضایی ارتش را داشتند، تدبیری که راه را بر روی هر گونه سو استفاده باز می نمود.

ب: پلیس قضایی پس از انقلاب

پلیس قضایی برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تدبیر شهید بهشتی به عنوان رئیس دیوان عالی کشور در تیر ماه 1359 در شورای انقلاب مطرح و این لایحه ارتباط داشتند را تحت عنوان نیروی انتظامی ادغام کند و پلیس قضایی از جمله این نهاد ها بود.

موضوع احیا پلیس قضایی در دولت هشتم مطرح شد، اما مجلس آن را رد کرد تا این که در دولت نهم بعد از ارسال لایحه پلیس قضایی به مجلس تک فوریت این لایحه در جلسه 1386 مصوب گردید و جهت بررسی به کمیسیون اجتماعی مجلس ارجاع شد، اما کلیات این لایحه به تصویب نرسید.

در این لایحه پیشنهاد شده بود که سازمان پلیس قضایی زیر نظر نیروی انتظامی تشکیل شود. علت عدم تصویب این لایحه از سوی اکثریت نمایندگان مجلس حفظ وابستگی این تشکیلات به نیروی انتظامی اعلام شد. تنوع ماموریت های نیروی انتظامی و نیز استقلالی سازمانی ضابطان عام دادگستری از قوه قضاییه یعنی قوه ای که این نیروها مجری دستورات



آن هستند، موجبات عدم کارایی کافی این نیرو را فراهم و قوه قضاییه را به ایجاد سازمانی تحت مدیریت خود و مستقل از نیروی انتظامی به عنوان پلیس قضایی سوق داد.

تشکیلات پلیس قضایی براساس ماده 211 قانون برنامه پنجم توسعه ایجاد می شود که در سال 1394 سال پایانی آن است. مبنای این ماده چنین است: قوه قضاییه مکلف است به منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، ایجاد پلیس قضایی، استاندارد سازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزین کردن ضمانت اجرای غیر کیفری موثر و روزآمد از قبیل: انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر تا پایان سال اول برنامه لوایح قضایی مورد نیاز را فراهم نماید تا از طریق دولت به مجلس تقدیم گردد. در مواجهه با اتفاقاتی که حقوق اشخاص را در بر می گیرد و آن ها را تضییع یا در معرض تضییع قرار می دهد یا نظم جامعه را بر هم می زند، نخستین جایی که مراجعه به آن ذهن اشخاص خطور می کند نیروی انتظامی و پلیس است، زیرا قوه قاهره این نیرو در خدمت حفظ نظم، آزادی و حقوق شهروندان است و قوانین و مقررات، آن ها بر مدار حفظ و حراست از حقوق مردم مستقر می سازد.

4: نقش پلیس در پرونده های کیفری

4.1: نقش پلیس در جرم های مشهود

جرم در ماده 2 قانون مجازات اسلامی 1392 اینگونه تعریف شده که: هر رفتاری را اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. وقتی عمل مجرمانه در اماکن و انظار و معابر عمومی رخ دهد به صورتی که وقوع جرم توسط نیروهای انتظامی یا توسط مردم دیده شود، جرم مشهود است. البته در مواردی نیز جرم به صورت گفته شده رخ نداده است. مانند: زمانی که فردی که از خانه او سرقت شده است، بلافاصله از مأموران نیروی انتظامی تقاضای کمک کند که در این حالت جرم در مکان عمومی رخ داده است و نه مردم و نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری وقوع آن را دیده اند، اما قانون گذار آن را در دسته جرایم مشهود قرار داده است و باید نظر داد که این دسته از جرایم در حکم جرم مشهود می باشد. بنابراین برای اینکه تشخیص دهیم یک جرم مشهود و یا غیر مشهود است باید به مصادیقی که قانون گذار برای آن ها مشخص کرده است مراجعه کنیم.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 در ماده 45 دست به شمارش مصادیق جرم مشهود زده است، بدون آن که جرم مشهود را تعریف نموده باشد. مصادیق این ماده عبارتند از:

الف- در مریی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.



اگرچه این ماده در بیان مصادیق جرم مشهود بر آمده، اما به واقع فقط در بند اول و قسمت اول این مورد جرم مشهود است و بقیه موارد در حکم مشهود می باشد.

ماده فوق نیاز به تحلیل و بررسی های خاص خود می باشد که در اینجا به صورت اجمالی و محدود می توان موارد زیر را بیان نمود و علاقمندان را در این مورد به منابع موجود حقوقی ارشاد نمود. این موارد عبارتند از:

1. برخی افراد در خیابان ها یا اماکن عمومی مثل پارک ها و مراکز خرید رفتارهایی از خود نشان داده یا کارهایی انجام می دهند که خلاف قانون است و جرم محسوب می شود. در مواردی این اقدامات در جلوی چشم پلیس اتفاق می افتد که به آن جرم مشهود می گویند.

2. گاهی اوقات هم جرمی واقع می شود که بلافاصله ماموران نیروی انتظامی از وقوع آن خبردار و در محل حادثه حاضر می شوند یا اینکه پس از گذشت مدت زمان کوتاهی از حادثه، این ماموران نشانه های باقی مانده از جرم را مشاهده می کنند.

3. داستان به اینجا ختم نمی شود و موارد دیگر را می توان وارد تیم جرم مشهود کرد، آن هم مربوط به زمانی است که در موقع حادثه یا بلافاصله بعد از آن، قربانی یا افراد دیگری اعلام کنند که فردی با مشخصاتی معین، عمل خلاف قانونی را انجام داده است. به عبارت ساده تر برای حادثه باید شاهی وجود داشته باشد و خودش حادثه را گزارش دهد.

4. مورد دیگر این است که بعد از دستگیری متهم، وسایل یا شواهد ارتکاب جرم، همراهش باشد، به این ترتیب جرم مشهود خواهد بود.

5. گاهی نیز اتفاق می افتد که متهم بلافاصله بعد از ارتکاب جرم از سوی ماموران دستگیر می شود، یعنی مانند بسیاری از برنامه ها و سریال هایی که از تلویزیون پخش شده است، مجرم بعد از ارتکاب جرم، طی یک تعقیب و گریز به دام می افتد؛ به این مورد هم جرم مشهود می گویند.

6. جالب است این را هم بدانید که اگر ارتکاب جرم در خانه و به طور کلی محل سکونت فرد باشد، فرد قربانی می تواند در همان زمان یا پس از آن، از ماموران نیروی انتظامی کمک گرفته و از آنها بخواهد در محل مورد نظر حاضر شوند که این مورد هم از جمله موارد جرم مشهود است.

7. یکی دیگر از موارد جرم مشهود مربوط به زمانی است که وجدان یقه متهم را می گیرد و وی را برای اعتراف راهی اداره پلیس می کند. به این ترتیب متهم پس از انجام عمل خلاف قانون، خود را به ماموران معرفی می کند و درباره جزئیات اقدام خود، اطلاعاتی می دهد.

8. اگر متهم ولگرد باشد و در منطقه ای که حادثه در آن رخ داده است، به انجام کارهای خلاف شهرت داشته باشد، جرم وی مشهود خواهد بود.

4.2: پلیس در جرایم مشهود:

دامنه گستره پلیس در جرایم مشهود دارای گسترش فراوانی است و اختیار آنان را ایفای وظایف قانونی که به عهده دارند را با فراوانی هایی همراه می نماید. از آن جهت که پلیس به عنوان اولین فرد از پیکره قدرت قضایی کشور بر صحنه جرم حاضر می گردد، دارای اختیارات و وظایف زیادی می باشد. قانون این مورد مهم را مورد نظر قرار داده و در قانون آیین دادرسی کیفری 1392 موارد متعددی را منصوص نموده است. از جمله این موارد عبارتند از:

44، 45، 46 و..... می باشد.



قانونگذار در جرایم مشهود اختیارات و وظایف گسترده ای را برای پلیس منصوص نموده است که از جمع آوری ادله تا جلب مرتکب، دامنه این وظایف و اختیارات گسترده می باشد.

این گستردگی همواره می تواند که در مواردی مورد سو استفاده پلیس قرار گیرد و امنیت و آسایش جامعه و مردم را به خطر بیندازد که منتهی به بد بینی نسبت به پلیس را ایجاد نماید (علیدوستی، 1388).

پلیس به عنوان مهم ترین نیرویی که خ حفظ امنیت داخلی را بر عهده دارد، در راستای تامین حقوق شهروندان ناگزیر از انجام کارهای است که به درست یا نادرست، تعرض به آزادی یا امنیت یا دیگر حقوق شهروندی نامیده می شود

5: نقش پلیس در جرم های غیر مشهود

باتوجه به تعریف جرم مشهود در قانون آیین دادرسی کیفری ماده 45 باید این گونه نظر داد که مواردی که در این ماده ذکر نشده از جرایم غیر مشهود محسوب شوند.

موارد این ماده عبارت است از:

الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد

باتوجه به این که جرایم غیر مشهود نیاز به فوریت در رسیدگی ندارد مقنن اختیارات و وظایف پلیس را بسیار محدود نموده است. ماده 44 قانون آیین دادرسی کیفری بیان دارد:

ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می کند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ میکند همان گونه که مشخص است پلیس در جرایم غیر مشهود هیچ عملی را نمی تواند انجام دهد و فقط باید مراتب را به دادستان اعلام کند و منتظر دستورات قضایی او بماند.

نتیجه گیری

در قوانین حقوقی نقش پلیس که همان نیروی انتظامی است در رابطه با قوه قضاییه به عنوان ضابط، پیش بینی شده است و بطور کلی در تعریف ضابطان دادگستری قانون گذار بدینگونه بیان نموده است: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می کنند. (ماده 28 قانون آیین دادرسی کیفری) بنابراین نیروی انتظامی در حدود اختیارات قانونی با مراجع قضائی انجام



وظیفه می نمایند و بدون دستورات قضائی اقدامات آنان غیر قانونی است. متأسفانه بسیاری از هموطنان ما تصور می کنند که نیروی انتظامی در موقعیتی است که قادر است بدون رعایت مقرراتی که در قوانین حقوقی پیش بینی شده، اقتدار کامل دارند برای حل معضلات آنان می توانند چاره ای بیندیشند و از سویی برخی از پرسنل نیروی انتظامی هم تصور می کنند که آگاهی کامل نسبت به تمامی مسائل حقوقی دارند.... و با این تصورات، بسیاری اوقات بجای اینکه معضلات اجتماعی حل شود، پیچیده تر می شود و با تامل به قانون نیروی انتظامی کاملاً این امر مورد تأکید قانونگذار است و در شرح وظایف نیروی انتظامی در ماده 8 قانون نیروی انتظامی به صراحت مشعر شده است و باتوجه این که پرونده های کیفری به دو دسته ی مشهود و غیر مشهود در قانون ایران تقسیم شده است نقش پلیس در هر یک از این دسته بندی ها کاملاً متفاوت است. درجرائم مشهود از جمع آوری ادله تا دستگیری مرتکب در حدود اختیارات و وظایف پلیس می باشد که دامنه ای بسیار گسترده است و همین امر پلیس را به عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه نمایان می سازد. در جرائم غیر مشهود به این دلیل که نیاز به فوریت در رسیدگی وجود ندارد تنها وظیفه پلیس اطلاع فوری به دادستان باشد و در صورتی که مقام قضایی دستوری صادر نماید مکلف به رسیدگی است.

منابع

1. آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات همت، چاپ هفتم، جلد اول.
2. جعفریان، زهرا، امیر خانی، زینب، سازمان ضابطان دادگستری، مجله دادرسی، شماره 61، فروردین و اردیبهشت 1386.
3. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت د خدا، جلد نهم، دانشگاه تهران، 1373.
4. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ششم، چاپ دانشگاه تهران، سال 1330.
5. سیفی قمی تفرشی، مرتضی، پلیس خفیه ایران، 1299-1320، مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخیچه شهربانی، نشر ققنوس، تهران، 1362.
6. شاکری، رضا، پلیس، مردم و امنیت عمومی، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، تهران 1381.
7. شعاریان، ابراهیم، جبّاری، منصوری، مسیولیت مدنی پلیس، نشر فروزش، چاپ اول، تبریز، 1389.
8. عمید، حسن، فرهنگ عمید، امیر کبیر، 1369.
9. کلی وند توپسرکائی، علی ناصر، نقش پلیس قضایی در اجرای عدالت، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، تهران، 1386.
10. معین، محمد، فرهنگ معین، زرین، 1386.
11. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد سوم، انتشارات امیر کبیر، تهران 1362.
12. ناصر علی دوستی، مطالعات راهبردی 1388 شماره 44.

Abstrac

a. In the criminal procedure law, the police have specific duties in dealing with obvious and non-obvious crimes, so that the law describes the duties of the officers in detail. In the process of dealing with such crimes, some officers sometimes face problems that cause and creating civil and criminal liability for them, therefore, in this research, the researcher investigated and evaluated the performance of the police in the face of obvious crimes. In general, the purpose of conducting this research is to examine the level of detection, interventions, judicial executive actions and finally the final decisions of officers in dealing with and facing obvious crimes. Analytical-descriptive research method and document review by referring to the cases in the

country, Cochran's formula and simple random sampling method were selected as the research sample; This work has been done in the form of a survey and document review of the existing files. The results of this research indicate that the role of the police in dealing with obvious crimes is relatively favorable, but it needs to be improved and of a very good quality, so it is possible to be efficient and capable, considering the changes in the judicial process in the criminal law, by targeting the role of the police, the role of the police In each of them, visible crimes and invisible crimes are different and varied, and the powers and duties of the police in each of these categories are wide and limited. In this research, we decided to distinguish visible and invisible crimes from each other after knowing the police. Due to the sensitivities of obvious crimes, it is not clear how far the extent of expansion and limitation of the police in such cases has been predicted. Also, it is not well known that in invisible crimes, to what extent the police have powers and duties in criminal cases. In this research, we decided to resolve such ambiguities about the role of the police in criminal cases, and the question we seek to answer is what is the role of the police in criminal cases?

Key words: police, officers, crime, obvious, invisible crimes.
Criminal cases

.b